



حسین امیر عبدالهیان:

سیاست انزوای ایران شکست خورده

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ _ ۱۸ ذیقعد ۱۴۴۴ _ ۷ ژوئن ۲۰۲۳

شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

درخواست مسی از الهلال:

یک سال به من مهلت بدهید



سال هشتم _ شماره ۲۱۸۹ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

عوامل موثر در نوسانات بازار ملک ارزیابی شد

نقش وام بانکی و بنگاه‌ها در بحران مسکن

همدلی | این روزها قیمت مسکن در روند نزولی قرار گرفته و رسانه‌ها نیز بر این موضوع تأکید دارند، اما سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که نقش عوامل کلیدی در این بازار تا چه حد اجازه خانه‌دار شدن را به افشار ضعیف می‌دهد؟ چیزی که بیش از همه خبرساز شده، کاهش قیمت مسکن در حاشیه تهران است، اما سوال این است که مشاوران املاک یا وام‌های بانکی هم اجازه خانه‌دار شدن را بر خریداران خواهند داد؟ در کنار همه عوامل موثر بر نوسانات اخیر مسکن، نقش مشاوران املاک در این بازار حالا توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است.

استقبال مقامات لشکری و کشوری از یک دستاورد نظامی:

رونمایی از یک موشک جدید ایرانی

زنگ خطری که آتش‌سوزی بازار سید ولی به صدا در آورد

فاجعه در کمین بازار تهران

سفیر عمان در مصر اعلام کرد:

استقبال تهران برای از سرگیری روابط با قاهره



محمد مهدی عبدخدایی در گفت‌وگو با همدلی:

شاه باید زنگ ۱۵ خرداد را می شنید

از ادعای آمریکا درباره غنی‌سازی ۶۰ درصدی ناامیدی آژانس از پیشرفت مذاکرات

دور تازه تمرکز روی صنعت هسته‌ای ایران



یادداشت‌ها

تاریخ آنگونه که هست



رضا صادقیان روزنامه‌نگار

پرداختن به تاریخ و بازخوانی مهم‌ترین حوادث سال‌های گذشته امکان دقیق‌تری نسبت به رویدادهای امروز را شفاف و...

چرا بی‌حمله به ظرفیت



محمدجواد پهلوان مدرس دانشگاه

در باب حملات اخیر به محمدجواد ظریف چندین نکته گفتنی است. مدت‌ها بود در رسانه‌ها نام و نشانی از وزیر خارجه سابق نیست و...

جاش موسیقی ایران با هوش مصنوعی



سجاد مالیر روزنامه‌نگار

هوش مصنوعی پس از آنکه یک آهنگ کامل را با صدای ام کلثوم خواننده فقید مصری تولید کرد و ...

زمان جز غم نیفزاید



فیض شریفی پژوهشگر ادبیات

دفتر شعر شب‌گردی «چله اول» از کاوه کیانی رنگین‌کمانی و نقاشینه دربردارنده ۵۹ شعر کلاسیک، نیمایی و سپید است...

یادداشت

تاریخ آن‌گونه که هست

مناکره کرده و آقای فروهر می‌گویند شما می‌توانید به نام حزب دمکرات کردستان ایران به طور آشکار فعالیت سیاسی داشته باشید، ولی این بار اهداف خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز تعقیب کنید». بلوریان ادامه می‌دهد (بلوریان، ۲۵۹): «روز ۳۰ بهمن، هیئت‌نماینده‌ی دولت موقت در حال بازگشت به تهران...ساعت یازده بیست دقیقه همان روز یادگان مهیاد خلع سلاح شد». دقت به تاریخ‌های این قبیل رویدادها مهم است، جریان جدایی‌طلب دقیقاً در شرایطی اقدام به تحرکات مسلحانه می‌کند که ۷ روز از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته و در عمل سیاستی مبتنی بر اعمال محدودیت و یا رفتن به سوی بسته شدن فضای سیاسی در داخل کشور از سوی صاحبان قدرت جدید در دستور کار قرار نداشته است. بلوریان ادامه می‌دهد: «۲۷ اسفند ۱۳۵۷ کومله رادیو و تلویزیون سندج را اشغال کرده، مردم را به اشغال یادگان شهر تحریک کرده و بدین ترتیب جنگ سندج را به راه می‌انداخت». و ادامه دهد (بلوریان، ۳۶۱): «در این میان کومله با بهره‌گرفتن از این شرایط به رادیو و تلویزیون سندج حمله می‌کند و آنجا را در اختیار می‌گیرد و صدیق کمانگر یکی از مسئولین وقت کومله در شهر سندج، از طریق تلویزیون، مردم را تحریک می‌کند تا به کمک افرادی که در اطراف یادگان هستند بروند و خودشان نیز وارد صف مردم می‌شوند و در نتیجه تیراندازی شروع می‌شود». پس به روایت آقای بلوریان اشغال تلویزیون، تحریک مردم به خشونت‌ورزی با نیروهای ارتش و اقدام جهت اشغال یادگان از سوی احزاب کرد صورت گرفته است. در اینجا مشخص است، جریان جدایی‌طلب و آنان که به دنبال راه انداختن جوی خون در کردستان بودند، جریانی بوده که حیات خود را در خشونت‌ورزی و سخن گفتن از لوله تفنگ انتخاب کرده بوده است.

روایت عبدالله حسن‌زاده به عنوان یکی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده از دیدار با امام (ره) پس از بروز درگیری‌ها در کردستان جالب توجه است. عبدالله حیاک (حسن‌زاده) به نقل امام خمینی (ره) در همین زمینه می‌نویسد: «به مدت یک سال، فقط یک سال مسئولیت حفظ و حراست از مرزهای ایران را که در دست خود شمامت به عهده بگیرم و این مرزها را از حمله بیگانگان و نفوذ دار و دسته دشمن به داخل خاک ایران حفظ کنید و همه نیروهای مسلح خود را آماده دفاع از کشور خودتان کنید. حکومت جمهوری اسلامی نیازهای شما را به اسلحه تأمین می‌کند و خواسته‌های‌تان را تمهید می‌کند، خودتان تعیین کنید که چه چیزی نیاز دارید، هیچ نیروی ارتشی به غیر از تعدادی که امروزه در این منطقه است به اینجا اعزام نخواهد شد و آنها نیز اجازه نخواهند داشت که در امور شما دخالت کنند. پذیرش این پیشنهاد از سوی شما موجب اطمینان ما به شما خواهد شد. سپس اگر پس از گذشت این یک سال، ما اکثریت خواسته‌های شما را اجرا نکردیم و تمهیدات خودمان را عملی نکردیم، شما می‌توانید لوله اسلحه‌هایی را که خودمان به شما داده ایم به طرف ما بگیریم». چه نظر می‌رسد چه در روزها و ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جدید و حتی تجربه فضای باز سیاسی در سال‌های اول انقلاب، برخی از جریان‌های سیاسی گم‌شده دیرین خود را در گلوله، تفنگ، ناپودی، ویرانی و به راه انداختن جنگ‌های داخلی می‌جستند. کارنامه عملی این نیروها مشخص است و امکان پرده‌پوشی و مخفی نگاه داشتن رویدادهای مهم را ندارند. مهم‌تر آنکه تکرار برخی کلیت‌واژه‌ها از جمله استقلال، خودمختاری، توانایی ملت کرد و بلوچ و عرب و سپردن امور به دست اقوام در مناطق مورد نظر نام دیگر جدایی‌طلبی، تجزیه کشور و دنبالرویی از رفتارهای فرقه دمکرات آذربایجان و جمهوری مهیاد است. چهره‌هایی که جز به جدایی و باره کرده خاک ایران رضایت نخواهند داد.

مرحوم طالقانی، مردی که در آزاداندیشی، صاحب‌جایگی مهم در انقلاب بود و برای ساختن ایرانی آباد و فارغ از خوی استبدادی از هیچ کوششی دریغ نکرده بود، در سخنرانی نماز جمعه سال ۱۳۵۸ به مناسب عید فطر و پس از آنکه متوجه شد جریان‌های سیاسی در کردستان راه دیگری را می‌روند و به غیر از خشونت‌ورزی و ستم به مردم این استان کارنامه دیگری از خود برجای نگذاشتند گفت: «متأسفانه در اواخر این ماه بر پرکت، ما مبارک، ماه روزه، ماه تقوی، ماه توحه به خدا، ماه همبستگی قلوب و وجدان‌های مسلمان‌ها، یک عده مردم جانی این برکت را، این خبر را لوده

کردند، مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند. تازه اسم خودشان را هم دمکرات می‌گذارند، دموکراتی که مردم را به گلوله ببندد، مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بی‌طرف، پاسداری، جوان‌های پاسدار، بیچاره‌ها، ای خاک بر سرشان. چقدر این نام همیشه برای این کشور، (نام دموکرات) خاطرات بدی داشته». مرحوم طالقانی با توجه به شناختی که از تاریخ کشورمان داشت و وابستگی این جریان‌ها به نیروهای خارجی را به اسم مبارزه با استبداد و واژه‌های دیگر به خوبی می‌دانست، تأکید کرد: «بعد از جنگ بین‌الملل اول، یک عده دموکرات پیدا شدند که سرخ‌پوشان معلوم نبود به کجا هست، همه چیز را به هم ریختند، ترور کردند و بعد از آنی که قدرت متمرکز شده، آن‌وقت یک عده پیروان بیچاره، مستضعف، فریب‌خورده را به جا گذاشتند و فرار کردند و رفتند بیرون، آنها را دادند دم گلوله، دم چک، بعد از جنگ بین‌المللی دوم، ۱۳۳۰ دیدید دموکرات‌های آذربایجان چه کنارها کردند. همین که قدرت مرکزی قوی شد، رفت آن‌طرف، آنها فرار کردند، امروز همان چهره‌ها هستند به اسم دموکرات، یک عده بیچاره، یک عده مستضعف با شعارهای فریبنده، اینها را جمع کردند. اگر یک مقدار زیاد زیاد شد همان طوری که حالا هست سران فرار می‌کنند. چه مکتبی دارند؟ چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟ مگر بارها اعلام نشده که شما برادرهای کرد هر پیشنهادی دارید، هر مسئله‌ای دارید بیابید مطرح کنید. رسیدگی بشود. به قدری که در امکان هست برای شما انجام خواهد شد. دیگر چه می‌خواهند؟ اینها مگر می‌خواهند تجزیه کنند کردستان را؟! در دامن کی می‌خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبرهای اسلامی و مردم مسلمان؟ که همچو اندیشه‌ای دارند؟ من به یقین می‌دانم در مردم کردستان، در توده مردم نیست. که بارها اعلام کردند. جز خودخواهی، جز جاسطی، جز بلندپروازی، مثل همهٔ حزب‌بازی‌های عده‌ای جمع بکنند و شعاری بدهند و کلاه دیگران پس معرکه باشند. من نمی‌فهمم آخر چسرا باید ما پیش از این که ارتش دخالت بکند از بردارن کردمان انتظار نداشتیم که خود آنها این آتش را خاموش بکنند. چرا نمی‌کنند؟ ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرده‌ای کسانی که می‌دانید دل من برای شما می‌تپد و ما، همهٔ مردم ما برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده همه دلشور هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه، خودپرست، یک همچو فاجعه‌ای، اینطور چهرهٔ مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مرزدار اینطور باید لوده بشود؟»

طالقانی عصبانی از این وضعیت ادامه می‌دهد: «خدا لعنت‌شان کند آنها بی که فتنه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این روز عید صد بار بر آنها لعنت از درگاه خدا و خلق دور باش بر همهٔ آنها چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم با مآذکره، با مهربانی، دور هم نشستیم مسائل را حل کنیم، چه این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان، چه آنها، یک مشت جوان احساساتی، سی ساله، خیالی می‌کنند قیم همهٔ مردمند. قیم همهٔ زن‌های ما هستند. زن‌های ما احتیاج به قیم ندارند. زن‌ها حق‌شان پایمال شده، مگر خودشان نمی‌توانند حرف بزنند؟ جوان‌های مسلمان ما هستند که تو این آفتاب و با این زبان روزه در میان این مزارع دارند کار می‌کنند. آنجا نشستند فقط شعار دادن؟ این شد مسئله؟ من خودم را برای دفاع از اینها داشتم فدیه می‌کردم حتی در مقابل بطحور به خشم آوردند؟ این کار بود؟ بکشند جزای اعمال خودشان را. کارهایی است که کردند. دیگر در مردم جا ندارند. بروند فکر دیگری بکنند.»

کلام یابانی؛ در نیای سیاست بوده و هستند سیاستمدارانی که به جای کنش سیاسی و داشتن رویکرد خشونت‌برهیز و استفاده به جا از عبارات‌ها، برخی واژه‌ها را با اندیشه و عملکرد دیگری به خدمت بگیرند. استفاده از عبارتهایی مانند ملت‌خواهی، ملت کرد، سرزمین کردستان بزرگ، خود مختاری، دفاع از فدرالیسم، استقلال خواهی در مرزهای استان‌ها و... نام دیگر جدایی‌طلبی، تجزیه خواهی و جدا کردن سرزمین ایران از تاریخ و هویت آن است.

یادداشت

چرا بی‌حمله به ظرفیت

محمدجواد پهلوان – در باب حملات اخیر به محمدجواد ظریف چندین نکته گفتنی است. مدت‌ها بود در رسانه‌ها نام و نشانی از وزیر خارجه سابق نیست و به واسطه مطلب اخیر مجدداً حملات به معمار برجام آغاز شده است. اما قبل از پرداختن به نکاتی که باید به آن پرداخته شود، بهتر است نگاهی داشته باشیم به مطلب مورد اشاره از محمد جواد ظریف، وی در مطلب مذکور نوشته است: «در ۷۵ سال برنامهریزی توسعه ما، منابع ملی ناپود شده و توسعه نیز حاصل نشده، چون بیشتر برنامه‌ها به جای ترسیم مسیر جبران عقب‌ماندگی‌ها متناسب با امکانات و فرصت‌ها، حدیث آرزومندی رهبران بوده‌اند. آگاهانه یا ناخواه‌گاه ما مردم انتخاب کردیم. آن را که به دنبال آرزوهایمان بوده‌اند بستاییم، هر چند برای خود و کشور خسارات فراوان به بار آورده باشند و آنان را که در حد امکانات کوشیده‌اند تا از گستره خسارات ناشی از حرکات آرزومندانه بکاهد، «سازشکار» و حتی «خائن» بنامیم. راستی نه تنها ما مردم بلکه نزدیکان ما کامیاب را بیشتر نکوهش می‌کنند: آن‌ها که با آرزوی بازپس گرفتن سرزمین از دست‌رفته در قرارداد گلستان، بخش‌های بیشتری از سرزمین و حتی استقلال ایران را به باد دادند، یا آن‌ها که قرارداد ترکمانچای دست‌کم قسمتی از سرزمین تازه از دست‌رفته را بازپس گرفتند؛ برای پیشگیری از ترکمانچای‌ها باید «انتخاب کنیم» که آرزوهایمان را در چارچوب امکانات دنبال کنیم، ولی حتی در واژه‌هایمان هم توجه به امکانات را ناشایست می‌دانیم. چرا «سازش‌کار» منفی، و «سازش‌یابان» مثبت است؟ مگر سازش جز به معنی دستیابی به نقطه اشتراک و توازن برای حرکت به سوی آرمان‌هاست؟ مگر می‌توان از روش دیگری به آرمان‌ها رسید؟ داشتن آرزو به زندگی جهت می‌دهد، اما توجه به توانایی‌ها حرکت به سمت آرمان‌ها را ممکن می‌سازد. این امروز ما در ک در دست «انتخاب» هوشمندانه است. «کنشگری مرزی»، چشم به آرمان‌ها و استوار بر توانایی‌ها. به دنبال این جملات، حملات گسترده‌ای علیه ظرفیت آغاز شد و در فضای رسانه‌ای و مجازی نمود گسترده‌ای داشت؛ حملاتی که عمدتاً از سوی هواداران دولت فعلی و گروه‌های ارتشی مشغول به فعالیت در فضای مجازی هستند. در پاسخ به این حملات یادآوری موارد زیر لازم به نظر می‌رسد: یکم، محدودیت‌های آکتون نسبتی ندارد جز اینکه در حال حاضر یک استاد دانشگاه است. طبیعتاً این حجم از اعتراض‌ها و تهمت‌ها عادی به نظر نمی‌رسد. گویی برخی با این اعتراض‌ها به دنبال انحراف آذمان عمومی هستند. انحراف از چه؟ مشخص است؛ از کارنامه برطل و غیرقابل دفاع دولت سیزدهم. طرفداران این دولت می‌دانند کلبینه خروجی مناسبی نداشته، بنابراین چه بهتر که ولور برای چهره‌روزی توجیه افکار عمومی به جای دیگری معطوف شود. بنابراین انحراف افکار عمومی از واقعیات جامعه انگیزهای است که در پس این اعتراض به ظرفیت می‌توان مشاهده کرد.

دوم: سسوالی که از معترضان به ظرفیت باید پرسید آن است که اگر دستاورد وزیر خارجه سابق بد است و یا یک خائن و وطن‌فروش است؛ چرا همچنان برجام‌به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های او (در دستور کار همین دولت نیز قرار دارد و در تلاش برای احیای آن است. نکته جالب آن است که در حالی دولت سیزدهم به دنبال احیای برجام است که بهانه‌ای در پایان سیاست خارجی این دولت فاعلی عطف به شعارهایی تا توافق هسته‌ای احیا شود. لیکن همچنان اتفاق خاصی رخ نداده به جز تبادل زندانیان و آزاد شدن بخشی از پول‌های ایران.

سوم: ما استاد بالامنابع فرصت‌سوزی و به حاشیه کشاندن سرمایه‌های خود هستیم. بنده معتقدم محمدجواد ظریف یکی از مصادیق زنده این خصوصیت غلط ما است. بر فرض که عده‌ای به افکار و رویکردهای ظرفیت علاقه‌ای نداشته باشند – که طبیعی است- اما این دلیل محکمی نیست که این چنین این دیپلمات برجسته کشور زیر فشار و ضرب رود و به حاشیه کشانده شود. انتظار بود دولت فعلی عطف به شعارهایی که داده، از تخصص ظرفیت و تجربه وی سود ببرد. ولی متأسفانه نه تنها او را با ترفندی به حاشیه کشاندند، بلکه هم‌اکنون نیز در حال تخریب مجدد وی هستند.

چهارم: تا چند صباح دیگر مشخص می‌شود روش و منش طرف کارگشاست یا مدعیان دولت فعلی؟ انتظاری که می‌توان از حامیان دولت رئیسی داشته باشیم، این نکته است که بهانه‌ای در پایان سیاست خارجی این دولت نیاورند و نتیجه را بپذیرند. اکنون همه موانع برطرف و تمام نهادهای اصلی نظام با دولت فعلی و سیاست خارجی‌اش همراه هستند. فلذا به نظر نمی‌رسد که فضای برای توجیه و بهانه‌تراشی فراهم باشد.